

علی اصغر جعفریان
تصویرگر: مجید صابری نژاد

بمب خوشه‌ای

بله برادر یازوکی، به لطف خدا همه چیز خوبه.

ناصر جان چه خبر، همه چیز روبه راهه؟



اردوگاه نظامی اطراف شهر اهواز در منطقه پارک جنگلی، با پوشش گیاهی درختان گز و درختان خیلی فشرده قرار گرفته است. منطقه تپه ماهوری مانند است. سنگرها و چادرهای نیروهای نظامی به طور پراکنده و با پوشش‌های استتار شده به چشم می‌خورند.



ناگهان صدای آژیر خطر حمله هوایی به گوش می‌رسد.



بچه‌ها حمله هوایی، سنگر بگیرید. حمله هوایی

صدای انفجار گلوله‌های دو زمانه پدافند هوایی در آسمان به گوش می‌رسد.



ضد هوایی‌ها شروع به غرش می‌کنند. باران گلوله از زمین به هوا می‌رود.



بمب خوشه‌ای

* توضیح: بمب خوشه‌ای محفظه‌ای است بزرگ که زیرش درپچه دارد. داخل محفظه صدها بمب کوچک وجود دارد. محفظه در هوا باز می‌شود و بمب‌ها در وسعت زیادی به اندازه یک زمین فوتبال پخش می‌شوند.

ناصر ناصر، اکبر! اکبر! ناصر! اکبر! ناصر! چشم با سرعت براتون می‌فرستم

آره چندتا شو خودم دیدم. به گردان تخریب بی‌سیم می‌زنیم. تخریبچی درخواست می‌کنیم.

فرمانده، منطقه خیلی خطرناک شده، همه جا پر از بمب خوشه‌ای عمل نکرده است؛ بالای شاخه‌ها، روی زمین. آره، فکر خوبیه.



هوایماها رفتند. بچه‌ها از سنگر بیاید بیرون. اما مواظب باشید همه جا پر از بمب‌های خوشه‌ای است.



از دور موتور تریل با دو سرنشین به سنگرها نزدیک می‌شود.

آره انگار درخت بمب خوشه‌ایه!

بمب‌های خوشه‌ای را ببین چقدر زیادند. روی درخت‌ها پرنده.



برادر بازوکی، یکی از ماهرترین تخریبچی‌ها را براتون آوردم. برادر موسوی تخم‌ش ختتا کردن بمب خوشه‌ای است.



والا چی‌گم! باید کارش رو ببینم!

واقعاً این پسر بچه می‌تونه بمب‌های خطرناک خوشه‌ای را ختتا کنه؟ به قیافش نمی‌خوره!



دمت گرم عجب گیل‌هایی برامون چیدی‌ها!

عجب پسر شجاعیه اصلاً ترس برایش معنا نداره.

آره انگار از شاخه درخت جای بمب خوشه‌ای، داره گیل‌س می‌چینه؛ خیلی خونسرده!



پایان

* توضیح: این خاطره مربوط است به بمباران هوایماهای عراقی در سال ۱۳۶۵، در اطراف شهر اهواز.